



گشتی در مرکز فروش علائم، نمادها و لوازم برگزاری تعزیه چراغ روشن محرم در بازار

یوسف حیدری / کتیبه‌های مشکی را سر پیچ ناصر خسرو روی دیوار آویزان می‌کند و با دست چروک آنها را می‌گیرد. آقارَسُول با حوصله قیمت کتیبه و سیاهه را به مشتری می‌گوید و توصیه می‌کند برای مشکی کردن کل خانه سیاهه ۵ متری بخرد. با وزش نسیم پرچم و پارچه نوشته‌ها به حرکت در می‌آیند. راسته خیابان ناصر خسرو تا چشم کار می‌کند سیاهه و کتیبه از سردر مغازه‌ها بیرون زده و بخشی از فضای پیاده رو هم با طبل و سنج و زنجیر پر شده است.



ردیف شده‌اند را نشان می‌دهد و می‌گوید: «بزرگترین طبل ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان. اگر هم پوسته طبل بخواهید از ۹۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان. «صحبت از محکم بودن طبل می‌شود که محمد یکی از طبل‌ها را روی زمین قرار می‌دهد و می‌گوید: سه نفری بریم روی طبل اگر پاره شد برای من. از محکم بودن طبل مطمئن باشید. با حرف‌های محمد آنها قانع می‌شوند و بعد از چانه زنی طبل را پشت و وانت قرار می‌دهند. سعید نوازنده طبل یکی از هیأت‌های منطقه جوادیه است. می‌گوید از کودکی مادرش نذر کرده که هر سال محرم در دسته عزاداری طبل بزند.»

بازار فروش سربند و لباس سقایی برای بچه‌ها داغ است. این را یکی از فروشندگانی که در پیاده رو بساط پهن کرده می‌گوید و لباس سقایی سفید رنگ را دست مشتری می‌دهد. احسان هر سال همین موقع‌ها اینجا بساط می‌کند. می‌گوید: «خیلی از مردم برای بچه‌ها لباس یا لوازم عزاداری محرم می‌خرند. عشق به امام حسین^(ع) و اهل بیت از همان کودکی توسط پدر و مادر به بچه‌ها منتقل می‌شود. از صبح خیلی‌ها دنبال سربند علی‌اصغر یا علی‌اکبر هستند ولی یک ساعت قبل تمام کردم. لباس سقایی هم مشتری خودش را دارد.»

مغازه عطر فروشی‌اش را برای دو هفته تغییر کاربری داده است. صاحب مغازه می‌گوید: «با شروع محرم مردم بیشتر دنبال خرید پرچم و سیاهه و طبل و زنجیر هستند و کمتر کسی سراغ عطر و اسانس می‌آید. البته امسال به دلیل بالا رفتن قیمت‌ها خیلی‌ها از همان وسایل سال قبل استفاده می‌کنند ولی هیأتی‌ها و تکیه‌های عزاداری هر سال برای خرید وسایل و یا کتیبه و پرچم و زنجیر اینجا می‌آیند. سودی هم که ما از فروش این وسایل می‌بریم خیلی کم است اما برکت زیادی دارد.»

پسرک سربند یاحسین را روی سرش محکم می‌کند. با یک دست چادر مادرش را گرفته و با دست دیگر زنجیر طلائی کوچکی را که خریده به شانه‌هایش می‌زند. شوق زیادی دارد و از مادرش می‌خواهد هرچه زودتر به خانه برگردند تا شب با زنجیری که خریده به هیأت برود. به ورودی ایستگاه مترو که می‌رسند مرد سالخورده‌ای با دیدن پسر اشک از گوشه چشمانش سرازیر می‌شود و این شعر را با صدای بلند می‌خواند: «داده یاد از کودکی تا من بگویم یا حسین // عاشقم کرده که من تنها بمانم با حسین»

محرمی به استقبال این ماه عزیز می‌رود. «از نوجوانی در همین مغازه کنار دست پدرم کار می‌کردم. عشق به عزاداری در محرم و صفر هیچ وقت کم‌رنگ نمی‌شود. نسل در نسل آدم‌هایی را اینجا می‌بینم که روزگاری دست پدر را می‌گرفتند و برای خرید پیراهن مشکی و طبل و سنج می‌آمدند والان برای خودشان مرد و زنی شده‌اند و دست بچه‌های شان را می‌گیرند و اینجا می‌آیند. خیلی‌ها هم دنبال کتیبه‌هایی که روی آن نام امام حسین^(ع) یا حضرت ابوالفضل^(ع) نوشته شده می‌گردند.»

زن پارچه بالای سردر مغازه را نشان می‌دهد و می‌گوید: این پرچم مشکی جلوی آفتاب رنگ‌اش تغییر نمی‌کند؟ حاج‌عباس دستی به پارچه پرچم می‌کشد و می‌گوید: جنس این پارچه ساتن است و به این راحتی رنگ عوض نمی‌کند. البته الان زیر آفتاب سوزان آهن هم رنگ عوض می‌کند. وقتی حرف به گرمای سوزان می‌رسد بغض می‌کند و می‌گوید: فدای حسین^(ع) که ظهر عاشورا در آفتاب سوزان کربلا لب تشنه شهید شد.»

زن با دقت طبل‌هایی که داخل مغازه چیده شده را نگاه می‌کند. عکس پسرش را از گوشی موبایل به فروشنده نشان می‌دهد و می‌گوید:

برای پسرم می‌خواهم طبل بخرم. به نظر شما کدام مناسب است؟ فروشنده بعد از دیدن عکس و پرسیدن درباره جثه پسر یکی از طبل‌ها را نشان می‌دهد و می‌گوید: «این از همه مناسب‌تر است. زیاد سنگین نیست و صدای بلندی هم دارد. قیمت هم ۶۵۰ هزار تومان. چند متر آن طرف‌تر چند طبل در اندازه‌های مختلف روی هم چیده شده و لباس شیر تعزیه هم از درخت بالای طبل‌ها آویزان شده است. فروشنده مغازه مشغول جابه‌جا کردن زنجیرهای داخل سبد است. می‌گوید قیمت لباس شیر تعزیه یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. معمولاً هیأت‌هایی که مراسم تعزیه دارند سراغش را می‌گیرند. قیمت زنجیر هم از ۱۲۰ هزار تومان تا ۲۵۰ هزار تومان است. زنجیر بزرگ یک کیلویی ۱۲۵ هزار تومان و زنجیر عدسی ریز ۲۳۰ هزار تومان و زنجیر عدسی طلائی ۲۸۰ هزار تومان. اگر هم مشتری زنجیر برنجی بخواهد با قیمت مناسب برای او تهیه می‌کنیم. زنجیر برنجی هم از یک میلیون ۸۰۰ هزار تومان به بالا شروع می‌شود. دسته چوب گردو هم ۵۰۰ هزار تومان.»

چند پسر جوان سراغ طبل‌های بزرگ را می‌گیرند. محمد آنها را به داخل مغازه دعوت می‌کند و طبل‌های بزرگ یاماها که کنار هم

محرم در این خیابان حال‌وهوای خاصی دارد. هر سال عاشقان امام حسین^(ع) برای خرید لوازم و وسایل عزاداری اینجا می‌آیند. رسول توپ پارچه سیاه را باز می‌کند و با متر آهنی اندازه می‌گیرد. می‌گوید هیچ سالی عزاداری امام حسین^(ع) کم‌رنگ نمی‌شود. این را کسی به شما می‌گوید که ۴۰ سال است همین‌جا به مردم کتیبه و پرچم و سیاهه می‌فروشد. «خدا را شکر عاشقان اهل بیت^(ع) مثل همیشه برای خرید لوازم اقامه عزا اینجا می‌آیند. اینجا تنها بازاری است که باید با عشق برای خرید بیایی. اگر عشق به سرور و سالار شهیدان نداشته باشی دست خالی برمی‌گردی. با وجود همه تبلیغاتی که می‌شود هر سال این موقع مردم برای خرید کتیبه و سیاهه و لوازم عزاداری اینجا می‌آیند. این مردم مثل همیشه پای کار هستند و چراغ محفل عزای امام حسین^(ع) هیچ‌وقت خاموش نمی‌شود. همین خانم را می‌بینی؟ با حقوق بازنشستگی همسرش زندگی می‌کند. هر سال همین موقع اینجا می‌آید و سیاهه و کتیبه می‌خرد تا خانه‌اش را سیاهپوش کند. ما هم تخفیف خوبی می‌دهیم تا در این ثواب شریک باشیم.»

رسول از بالا رفتن قیمت لوازم عزاداری محرم هم گفت و به گران شدن قیمت پارچه و رنگ اشاره می‌کند: «تا دلتان بخواهد گران شده اما کسی که دلش به محرم گره خورده باشد پول خرید لوازم و پارچه را تهیه می‌کند. ما همه این کتیبه‌ها و پارچه‌های مشکی را از کارخانه‌های تولیدی می‌خریم و به قیمت کارخانه هم می‌فروشیم. چند کارخانه در اصفهان، مشهد، تهران و تبریز لوازم ایام عزاداری و سیاهه تولید می‌کنند. به‌ر حال وقتی قیمت نخ و پارچه و رنگ در کنار هزینه‌های تولید و دستمزد کارگر بالا می‌رود قیمت نهایی هم افزایش پیدا می‌کند. مشتریان ما هم معمولاً کسانی هستند که هیأت‌خانگی دارند و سیاهه و کتیبه می‌خرند. کتیبه اشعار محتشم‌بیشترین طرفدار را دارد و شعر باز این چه شورش است که در خلق عالم است... با گوشت و پوست ما عجین شده است.»

زنجیر و سربند بچه‌ها را با تخفیف می‌فروشد. می‌گوید عزاداری بچه‌ها برای امام حسین^(ع) با بقیه فرق می‌کند. می‌خواهد در این حال خوب بچه‌ها شریک باشد. با حوصله قیمت زنجیر و سیاهه و کتیبه و پرچم و کتل را می‌گوید و سفارش‌ها را آماده می‌کند. حاج‌عباس از قدیمی‌های ناصر خسرو است. چند روز مانده به محرم با سیاهه بستن و کتیبه‌های